

دیدگاه مفسران در خصوص مفهوم «ظنّ خاشعان به لقاء رب» در بوته نقد

صاحبعلی اکبری^۱

فاطمه زهرا امیری (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

واژه «ظن» از واژه های پرکاربرد در قرآن کریم است و جایگاه موثری در آیات اعتقادی و اخلاقی دارد. در برخی از آیات قرآن کریم، نظر مفسران در خصوص معنای واژه «ظن»، محل نزاع است. یکی از آیات مورد بحث، آیه 46 سوره بقره است که در خصوص ظن خاشعان به ملاقات رب است. در این خصوص مفسران دارای سه دیدگاه کلی هستند. اکثر مفسران ظن را به معنای یقین و برخی دیگر آن را گمان متمایل به یقین می دانند و گروه سوم، ظن در آیه مورد بحث را حمل بر ظاهر می کنند. هر کدام از این سه دیدگاه از سوی مفسران با استدلالاتی همراه است که بیان و نقد آن دارای اهمیت است و ثمرات اعتقادی و اخلاقی متعددی دارد. در پژوهش حاضر به روش تحلیلی - توصیفی و به استناد منابع کتابخانه ای به این پرسش اساسی که مفهوم واژه «ظن» و ظرف تحقق «لقاء رب» در آیه 46 سوره بقره چیست؟ پاسخ داده شده است. آن چه از ظاهر این آیه بدست می آید، این است که «لقاء رب» در بستر دنیا برای خاشعان محقق شده است و از این رو هیچ محذوری برای حمل واژه «ظن» بر معنای ظاهری اش یعنی «گمان» وجود ندارد. دلایل این برداشت از آیه علاوه بر ناتمامی و نقد پذیر بودن دیدگاه های گذشته، عبارت است از: حداقلی بودن توصیف خداوند از نمازگزاران خاشع در صورت تحقق «لقاء رب» در آخرت؛ مطابقت ظن خاشعان به لقاء رب در بستر دنیا با ویژگی خشوع ایشان و وقوع لقاء رب در نماز خاشعان.

واژگان کلیدی: ظن، لقاء رب، معاد، خاشعان، نماز

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی akbari-s@um.ac.ir

۲. دانشجو کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی fzamiri313@gmail.com. (این مقاله مستخرج از پایان

نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مفهوم واژه ظن در قرآن با تأکید بر سیاق قرآنی»)

مقدمه

واژه «ظن» از واژه های نسبتاً پرکاربرد در قرآن کریم است. ماده «ظنن» دارای 69 بسامد است و در 57 آیه این ماده به کار رفته است. واژه «ظن» و فهم معنای آن جایگاه موثری در آیات اعتقادی و اخلاقی دارد. هم چنین فهم معنای آن، موثر در فهم واژگانی است که در یک حوزه معنایی با واژه «ظن» قرار دارند. مفسران در خصوص آیه «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ آنان که گمان دارند دیدار کننده پروردگارشان خواهند بود و قطعاً به سوی او بازمی گردند» (البقره: 46) که در مورد ظن خاشعان به ملاقات رب است، نظرات متفاوت و متعارضی بیان داشتند. به نظر می رسد نزاع مفسران در باره معنای «ظن» ریشه در متعلق ظن «...أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ...» و مجادلات کلامی متکلمان در خصوص کفایت عقیده ظنی یا لزوم رسیدن به عقیده یقینی دارد. در پژوهش حاضر بنا داریم به روش تحلیلی - توصیفی و به استناد منابع کتابخانه ای در صدد پاسخ به این پرسش اساسی برآمده ایم که مفهوم واژه «ظن» و ظرف تحقق «لقاء رب» در آیه ۶۶ سوره بقره چیست؟ برای پاسخ به این پرسش به بررسی و نقد اقوال مفسران می پردازیم.

پیشینه

درباره این موضوع پژوهش هایی صورت گرفته است که علی رغم تلاش های ارزشمند نویسندگان آنها، از منظر نگارنده از جهاتی دارای نقص و اشکال است که در ذیل به بیان آنها و سپس وجه تمایز پژوهش پیش رو با پژوهش های انجام شده می پردازیم.

پژوهش های صورت گرفته در خصوص آیه مورد بحث به دو دسته کلی قابل تقسیم است:

برخی از پژوهشگران «ظن» در آیه محل بحث را بر خلاف ظاهر به معنای «یقین» دانسته اند. زیرا «لقاء رب» مساوی با معاد دانسته شده است. مانند: مقاله «معنا شناسی «ظن» در قرآن کریم» از سید محمود طیب حسینی؛

برخی دیگر از پژوهشگران بر خلاف نظر اخیر، «ظن» در آیه مورد بحث را حمل بر ظاهر کرده اند و آن را به معنای گمان دانسته اند؛ در این پژوهش ها «لقاء رب» یکی از اتفاقات قیامت دانسته شده است. این پژوهش ها عبارت اند از:

-مقاله «پژوهشی در معنای ظن و جایگاه معرفتی و اخلاقی آن در قرآن» از محمد کاظم شاکر؛

- مقاله «بررسی آراء مفسران در فلسفه به کارگیری «گمان به رستاخیز» به جای «یقین به آخرت» در تفسیر آیه 46 بقره» از احمد آقائی زاده ترابی؛

- مقاله «کاربرد ظن در قرآن کریم: تاملی پیرامون اقوال مفسران در تفسیر «ظن» به «یقین» از مریم ساجدی؛

وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به موارد اخیر در شیوه استدلال و نتیجه حاصل از نقد و بررسی اقوال مفسران است. بر خلاف پژوهش‌های گذشته که در برخی از آن‌ها «ظن» به معنای یقین گرفته شده است، در مقاله پیش‌رو «ظن» به معنای حقیقی آن یعنی گمان اخذ شده است. همچنین در مقالات مذکور، «لقاء رب» در بستر معاد دانسته شده است در حالیکه به نظر می‌رسد «لقاء رب» در بستر دنیا محقق شده باشد.

همچنین در دسته دیگری از مقالات که در بالا ذکر گردید، «ظن» به معنای گمان است که وجه تمایز پژوهش حاضر با این دست از مقالات در بررسی مراد از «لقاء رب» و ظرف تحقق آن است که ذکر گردید.

همچنین در پژوهش پیش‌رو سعی شده است تا دیدگاه‌های مغفول و دسته بندی‌های دارای اشکال در آثار اخیر را برطرف سازیم.

۱- بررسی مفهوم لغوی «ظن»

در خصوص معنای «ظن»، میان لغویان اختلاف است. تنها تعداد محدودی از لغویان قائلند که ظن دارای معنای واحدی است که عبارت است از: «گمان». (عسکری، 1400ه.ق: ص 93). اکثر ایشان، «ظن» را از اضداد می‌دانند که به معنای گمان و نیز یقین است. پیروان این نظر، به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند:

گروهی در خصوص اضداد بودن «ظن» توضیحی ارائه نمی‌دهند و هر دو معنا را بدون هیچ قیدی می‌پذیرند (فراهیدی، 1409ه.ق: ج 8، ص 152).

برخی دیگر معتقدند معنای یقین برای ظن، مجازی است (جوهری، 1376ه.ق: ج 6، ص 2160؛ فیومی، 1414ه.ق: ج 2، ص 386) که حمل آن بر یقین طبیعتاً نیازمند قرینه است.

گروه سوم نیز در صورتی ظن را به معنای یقین می‌دانند که محصول اماره‌ها، نشانه‌ها، تعقل و تدبّر باشد که می‌تواند با نوعی احتمال خلاف همراه باشد (ابن منظور، 1414ه.ق: ج 13، ص 272). این گروه سوم به نوعی با فراهیدی همراه هستند چون ظن را به معنای شک و یقین می‌دانند هر چند تفسیر این گروه از یقین، یقین تدبّر است نه یقین عیانی.

البته می‌توان از گروه چهارمی نیز نام برد که معتقدند «ظن» اسمی است که از نشانه و اماره حاصل می‌شود. اگر آن نشانه قوی باشد به علم منتهی می‌گردد و اگر آن نشانه ضعیف باشد، از حد توهم تجاوز نمی‌کند (راغب اصفهانی، 1412ه.ق: ص 539). نظر این گروه را نیز می‌توان ملحق به نظر اکثر لغویان کرد.

صاحبان کتب وجوه و نظائر نیز وجوهی برای معنای «ظن» ذکر کرده‌اند. از جمله: یقین، شک، پندار، تهمت (دامغانی، 1416ه.ق: ج 2، ص 61) برخی نیز به معانی دیگری از «ظن» هم چون گمان، بداندیشی و پنداشتن اشاره کرده‌اند (تفلیسی، 1371: ج 1، ص 198). بعضی نیز تنها به دو وجه یقین و شک اشاره دارند (عسکری، 1428ه.ق: ص 332).

۲- اصالت تعابیر قرآنی

یکی از مبانی اصیل در فهم و تفسیر قرآن، حجیت ظواهر آن است که مهم‌ترین دلیل آن، بنای عقلاست؛ زیرا روش عقلا آن است که در تعیین مراد و مقصود گوینده، به ظاهر کلام او استدلال و از آن پیروی می‌کنند و شارع مقدس نیز ضمن تایید این روش، روش دیگری را بیان نفرموده و صرفاً روش عقلا را تقریر و تثبیت کرده است. از این رو حجیت ظواهر در تفسیر قرآن نیز جریان دارد. روشن است که پذیرش یا عدم پذیرش حجیت ظواهر قرآن، در تفسیر بخش عظیمی از آیات مؤثر است (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۰۰؛ همان: ج ۲، ص ۱۸۰؛ رضایی اصفهانی، 1387: ج 1، ص 133).

از نتایج پذیرش اصل حجیت ظواهر قرآن، «اصالت تعابیر قرآنی» است. در توضیح باید گفت: هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم سازی خاصی مبتنی است که با تعابیر دیگر متفاوت است و بر این اساس باید به خود عبارات که مفهوم سازی مبتنی بر آن است توجه کرد، نه به موقعیت‌هایی که برگرفته از عبارات است. به بیان دیگر، باید میان موقعیت‌های قرآنی و تعابیر مختلف از آن موقعیت‌ها تمایز قائل شویم. مراد از موقعیت قرآنی، واقعیتی است که

آیه‌ای از قرآن، آن را توصیف می‌کند که می‌توان از آن واقعیت، تعبیر مختلفی استخراج کرد. حال آن که آیه نیز تعبیر خاصی از آن موقعیت را نشان می‌دهد. «اصالت تعبیر قرآنی» بدین معناست که مفسر باید از تبدیل و تحوّل تعبیری به تعبیر دیگر بپرهیزد و مفهوم سازی هر تعبیر را آن گونه که هست استخراج کند و هیچ چیز را جایگزین تعبیر قرآنی نسازد. (نک. قائمی نیا، 1401: ص 130 و ۱۳۱).

«اصالت تعبیر قرآنی» دارای دو اصل فرعی است: اولاً، در هر موقعیتی که خداوند بنا بر توصیف آن داشته است، تنها یک تعبیر مناسب قرآنی وجود دارد. ثانیاً، هر تعبیر قرآنی فقط با یک توصیف از موقعیت مورد نظر متناسب است که خداوند بنای توصیفش را داشته است. تأکید بر این نکته ضروری است که یکی از پیامدهای مهم این نظریه، رد ترادف در الفاظ قرآنی است (همان). تأکید بر این نکته ضروری می‌نماید که مفهوم سازی های نهفته در تعبیر قرآنی، از طریق اطلاعات بافت و سیاق درونی آیات به دست می‌آید و بر این اساس می‌تواند نحوه مفهوم سازی را روشن سازد. به بیان دیگر، می‌توان این اصل را «اصل تعیین پذیری» بنامیم و بر اساس همین اصل، مفهوم «ظن» در آیه مورد بحث را بررسی نماییم.

۳- جایگاه نسبت «ظن» به خاشعان در «لقاء رب» بر اساس سیاق آیات

طبق تصریح بعضی از قرآن پژوهان، سوره بقره نخستین سوره‌ای است که در مدینه نازل شد، و قسمت مهمی از آن در باره یهود، بحث می‌کند، زیرا یهود در آنجا معروف‌ترین جمعیت پیروان اهل کتاب بودند، و قبل از ظهور پیامبر (ص) طبق کتب مذهبی خود انتظار چنین ظهوری را داشتند و دیگران را به آن بشارت می‌دادند. اما با ظهور اسلام که آن را مانعی بر سر راه منافع نامشروع آنان به حساب می‌آمد و جلو انحرافات و خودکامگی‌های آنان را می‌گرفت، نه تنها غالباً دعوت اسلام را نپذیرفتند، بلکه در آشکار و نهان بر ضد اسلام قیام کردند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۱، صص ۲۰۱ و ۲۰۲)

خداوند متعال در قرآن کریم از آیه ۴۰ این سوره در سیاق آیاتی که خطاب اولیه آن به بنی اسرائیل است، از آنان می‌خواهد که نسبت به نعمت‌های خداوند بر ایشان متذکر گردند و به عهد و وفای خویش با خداوند وفا کنند و به پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم ایمان آورند و حقیقتی که دریافت کرده‌اند را کتمان نکنند و همان‌گونه که دیگران را به نیکی سفارش می‌کنند، خود از نیکی کردن فراموش نکنند. در ادامه نیز به آنان امر می‌کند که برای

موفقیت در این مسیر از صبر و نماز استعانت جویند: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ * وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ * الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره / ۴۴-۴۶)

گرچه روی سخن در آیات فوق همچون آیات قبل و بعد، به بنی اسرائیل است، ولی مسلماً مفهوم آن گسترده است و دیگران را نیز شامل می‌شود.

مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» گفته است که علما و دانشمندان یهود قبل از بعثت پیامبر (ص) مردم را به ایمان به وی دعوت می‌کردند و بشارت ظهورش را می‌دادند ولی خود هنگام ظهور آن حضرت از ایمان آوردن خود داری کردند. حتی بعضی از علمای یهود به بستگان خود که اسلام آورده بودند توصیه می‌کردند به ایمان خویش باقی و ثابت بمانند ولی خودشان ایمان نمی‌آوردند. (طبرسی، بی‌تا: ج ۱، صص ۱۵۴ و ۱۵۵)

علمای یهود از این می‌ترسیدند که اگر به رسالت پیامبر اسلام اعتراف کنند کاخ ریاستشان فرو ریزد و عوام یهود به آنها اعتنا نکنند، لذا صفات پیامبر اسلام را که در تورات آمده بود دگرگون جلوه دادند. قرآن برای اینکه انسان بتواند بر امیال و خواسته‌های دل پیروز گردد و حب جاه و مقام را از سر بیرون کند در آیه بعد چنین می‌گوید: از صبر و نماز یاری جوید" و با استقامت و کنترل خویشتن بر هوسهای درونی پیروز شوید. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۱۶)

به نظر می‌رسد بازگشت ضمیر «ها» به «استعانت» که جمله «استعینوا» متضمن آن است با جمله «إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» منافات دارد، زیرا ارتباط معنایی و ثیقی میان خشوع و صبر مشاهده نمی‌گردد. در نتیجه بازگشت ضمیر «ها» به «صلاه» مناسب‌تر است. زیرا از مهم ترین ویژگی های مومنان، خشوع آنان در نماز است. (طباطبایی، ۱۳۹۰هـ.ق: ج ۱، ص ۱۵۲). هم چنان که خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ.» (المومنون / ۲۱).

سپس خداوند در آیه مورد بحث، نمازگزاران خاشع را چنین وصف می‌نماید: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره / ۴۶) آیه مذکور در رابطه با ظن نمازگزاران خاشع در خصوص لقاء پروردگار و بازگشتشان به سوی اوست.

۴- ارزیابی دیدگاه مفسران درباره ظنّ خاشعان به ملاقات ربّ

از آن جا که دیدگاه مفسران در خصوص معنای ظن در آیه متاثر از مفهوم و کیفیت لقاء پروردگار است، پس اجمالا این تعبیر را فارغ از معنای آن در آیه مورد بحث، بررسی خواهیم کرد.

۱.۴- مراد از ملاقات ربّ

ماده «لَقِيَ» در تمامی مشتقات خود، معانی مشترک و ثابتی دارد از جمله: رو به رو شدن، معاینه و دیدن همراه با ارتباط با یکدیگر. البته این معانی دارای قیودی نیز هست؛ اما آن چه که روشن است آن است که این لقاء و به عبارتی دیدار و مقابله، با تحقق ارتباط بین دو نفر امکان پذیر است و آن، متوقف بر تحقق و وجود تناسب و نزدیکی میان دو دیدار کننده است؛ خواه این تناسب مادی باشد، خواه معنوی. به بیانی دیگر، لقاء هر چیز، علم یافتن به وجود اوست؛ به طوری که دیگر میان آن دو حجابی نباشد. با توجه به بیان اخیر، لقاء در قرآن کریم به انواعی قابل تقسیم است از جمله لقاء مادی، لقاء روحانی در دنیا، لقاء در عالم آخرت و لقاء شر (مصطفوی، 1430 ه.ق: ج 10، ص 252-253).

آن چه که مسلم است آن است که رسیدن به لقاء خداوند، امری مادی نیست. زیرا خداوند فاقد جسم است و رویت جسمانی خداوند امکان ندارد. حال باید بیان داشت که مراد از «مُلاقُوا رَبَّهُمْ»، لقاء روحانی در دنیا مد نظر است یا در آخرت.

قرآن کریم در مواردی تعبیر «لقاء» را هم نشین با «الآخره» و «یوم» قرار داده است: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الاعراف/147)؛ «وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ» (الجاثیه/34) واضح است که در این موارد، مراد از «لقاء»، لقاء در عالم آخرت است. اما در مواردی تعبیر «لقاء» را هم نشین با «رب» و «الله» قرار داده است: «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلاقُوا رَبَّهُمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود/29)؛ «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (العنكبوت/5) باید توجه داشت که رسیدن به لقاء الله و لقاء رب، در حقیقت به معنای علم به وجود خداوند و نبود حجاب و مانع میان بنده و پروردگارش است (طباطبایی، 1390 ه.ق: ج 16، ص 102)؛ در نتیجه این لقاء می تواند در دنیا برای اولیاء خداوند و در آخرت

برای همگان اعم از مومنان و کافران محقق شود زیرا روز قیامت، روز ظهور حقایق است: «يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (النور/25).

البته در خصوص لقاء پروردگار نظرات دیگری نیز وجود دارد هم چون: بعث، رسیدن به عاقبت زندگی و دیدار ملک الموت و حساب و جزاء، ملاقات جزای خدا یعنی ثواب یا عقاب او و ملاقات حکم او در روز قیامت. به نظر می رسد این نظرات بر خلاف ظاهر کلام بوده و قابل پذیرش نیست (طباطبایی، 1390ه.ق: ج 16، ص 102).

۲.۴- مراد از «ظن» خاشعان به ملاقات ربّ

در خصوص معنای ظن در «يَظُنُّونَ» نظرات متعارضی بیان شده است که در ذیل به بیان و نقّادی آن می پردازیم.

۱.۲.۴- ارزیابی معنای «یقین» از واژه «ظن» و دلایل آن

گروهی ظن در «يَظُنُّونَ» را به معنای یقین می دانند برای اثبات مدّعی خویش استدلال هایی بیان کرده اند که در ذیل به بیان و ارزیابی آنها می پردازیم.

۱.۱.۲.۴- استناد به قول لغویان و استعمال عرب

برخی مفسران با استناد به قول لغویان و استعمال عرب در اشعار، برای «ظن» دو معنا پنداشته اند: یکی «یقین» و دیگری «شک». همان گونه که واژه «سدفه» گاهی به معنای «ظلمت» و گاهی به معنای «روشنایی» استعمال شده است یا واژه «صارخ» هم «فریادرس» و هم به معنای «یاری طلب» آمده است (نک. طبری، 1412ه.ق: ج 1، ص 206). ایشان گفته اند که اگر مراد از «ظن» در این آیه «شک» باشد به این معنا است که خاشعان شک به لقاء الله دارند و این کفر نسبت به خداوند است. از همین رو واژه «ظن» در این آیه را به معنای «یقین» دانسته اند.

نقد و بررسی

همان گونه که گفته شد، استدلال فوق با استناد به قول لغویان و استعمال عرب در اشعار مطرح گردیده است در حالی که دقت در منابع لغوی نشان می دهد که لغویان با نگاه به قرآن و مشاهده دغدغه تفسیری و کلامی مفسران، معنای یقین را از معانی ظن شمرده اند. فارغ از این که ممکن است این آیات، تفسیر دیگری داشته باشد که «ظن» در آن به معنای «یقین» نباشد. این دسته از لغویان اگر به ندرت شاهی از اشعار عرب آورده اند، آن شعر نیز صراحت و قطعیتی در مقصود آنان ندارد زیرا امکان تفسیر دیگری نیز برای آن وجود دارد. البته باید توجه داشت

که به فرض قطعیت و صراحت معنای یقین برای «ظن» در اشعار عرب، دلیلی تام بر اثبات وجود چنین معنایی در قرآن نخواهد بود. به نظر می‌رسد این گروه از مفسران علاوه بر استناد به قول لغویان و استعمال عرب، با پیش زمینه کلامی که شک به ملاقات ربّ کفر است، «ظن» در این آیه را به معنای «یقین» گرفته‌اند که در جایگاه خود به نقد آن نیز می‌پردازیم.

۲.۱.۲.۴- «یقین» تنها راه رسیدن به خشوع حقیقی

گروهی دیگر از مفسران بیان می‌دارند که تنها یقین است که انسان را خاشع قطعی و خاکسار یقینی می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ج ۴، ص ۱۷۳) و شایسته نیست خداوند اهل خشوع را به داشتن ظن به ملاقات الهی وصف کند، در حالی که همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد طبق یک معنا «ظن»، قرین شک است و شک به لقاء الهی کفر محسوب می‌گردد. لذا تنها «یقین» است که انسان را به مرحله خشوع حقیقی می‌رساند و آدمی با «ظن» به این درجه از خشوع واصل نمی‌گردد.

نقد و بررسی

در پاسخ به استدلال فوق که تنها راه رسیدن به خشوع حقیقی را یقین می‌داند می‌توان گفت که آیه در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، نه به دنبال سبب خشوع ایشان. همچنین باید توجه داشت که هر یقینی منجر به ایمان و خشوع نمی‌گردد، چنان‌که در آیه‌ای به صراحت به این مطلب اشاره گردیده است: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل / ۱۴).

۳.۱.۲.۴- توصیف اهل ایمان به «یقین» در آیات قرآن کریم

یکی دیگر از دلایل قائلین به معنای «یقین» در این آیه استدلال به برخی دیگر از آیات قرآن کریم است که در آن آیات اهل ایمان را با صفت «یقین» توصیف نموده است: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (البقره/ ۴) این آیه شریفه در خصوص اوصاف متقین است که یقین به آخرت را از اوصاف بارز ایشان برشمرده است. از این رو در آیه محل بحث نیز «ظن» به معنای یقین است نه گمانی که قسیم یقین و در برابر آن باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ج ۴، ص ۱۷۳).

نقد و بررسی

در پاسخ به استدلال فوق و تنظیر آیه محل بحث به آیه ۴ سوره بقره و واحد پنداشتن لقاء رب و لقاء آخرت در این آیات، باید گفت که این دو آیه، دارای دو موضوع متفاوت اند لذا تنظیر آنها بایکدیگر قیاس و باطل است زیرا یکی در خصوص یقین اهل تقوا به آخرت و دیگری در خصوص ظن خاشعان به لقاء الله است و لقاء الله برابر با روز قیامت و ایمان به سرای آخرت نیست و همان گونه که پیش تر گفته شد و در ادامه نیز بیش تر توضیح داده خواهد شد لقاء رب متفاوت از لقاء آخرت است و ممکن است در این دنیا نیز برای خواص بندگان خدا از جمله نمازگزاران خاشع محقق شود.

۴.۱.۲.۴- توجّه به بلاغت قرآن از طریق مجاز

برخی دیگر نیز «ظن» در آیه مورد بحث را مجاز از علم دانسته اند و قرینه آن را سیاق آیه که در مقام مدح از خاشعان است گرفته اند. زیرا اگر مراد از «ظن» همان «شک» نسبت به ملاقات ربّ و بعث و نشور باشد، مذموم است نه ممدوح. (رازی، ۱۴۰۸ ه.ق: ج ۱، ص ۲۵۹-۲۵۸).

نقد و بررسی

در پاسخ به استدلال فوق می توان گفت: همان طور که بیان شد، رسیدن به لقاء پروردگار، به معنای علم به وجود پروردگار و عدم وجود حجاب میان بنده و خداوند است که این امر بی شک برای اولیاء خداوند در دنیا محقق شده است؛ هر چند اکثر مردم در آخرت به این علم خواهند رسید. پس لقاء رب متفاوت از لقاء آخرت است و ممکن است در این دنیا نیز برای خواص بندگان خدا از جمله نمازگزاران خاشع محقق شود. در نتیجه ظن به لقاء رب، به معنای ظن به معاد نیست، بلکه به معنای ظن به رسیدن به مقام علم به وجود الهی است که ممکن است در دنیا یا آخرت رخ دهد و هیچ محذوری در کار نیست که نمازگزاران خاشع، به سبب خشوعشان، ظن به لقاء رب داشته باشند. هم چنان که خداوند در آیاتی چند، امید به لقاء پروردگار را نیز ستوده است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (الکهف/۱۱۰). در توضیح باید گفت: از آن جا که رجاء، نوعی ظن است که اقتضاء دارد ماحصل آن مسرت بخش باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق: ص ۳۴۶)، در نتیجه هیچ محذوری در کار نیست تا ما ظن به لقاء الله را امری ممدوح بدانیم. البته باید این را نیز بگوییم که رسیدن به مقام قطع و یقین در خصوص لقاء الله، شایسته ترین

مقام است: اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (الرعد/2)؛ اما آن چه از دیدگاه قرآن مذموم است، کفر و تکذیب لقاء رب است نه ظن و گمان به آن: «وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بَلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ» (السجده/10).

علاوه بر پاسخ مذکور، برخی به پاسخی دیگر اشاره دارند و بیان می‌دارند: لقاء رب تنها یکی از اتفاقات مهم قیامت است و حتی اگر مراد از لقاء رب، روز جزا باشد، قطع و یقین به روز جزا، بالاترین مرتبه از اعتقاد است که با پیمودن مراحل سلوکی و شاید برای برخی با مرگ حاصل شود. بنابراین قرآن، ظن به ملاقات خداوند را ستوده است، هر چند رسیدن به مقام قطع و یقین را نیز بایسته بداند (ساجدی، ۱۳۹۸: ش ۱۰، ص ۱۱۲).

اشکال توجیه مذکور در آن است که اولاً، مراد از لقاء رب، لزوماً از اتفاقات مهم قیامت نیست و ممکن است هم چنان که بیان شد، در دنیا نیز رخ دهد. ثانیاً، وقتی خداوند در آیه مذکور در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، شایسته نیست که به توصیفی حداقلی بسنده کند.

علاوه بر این، کاربرد مجازی «ظن» در معنای «یقین» نیز با یک مشکل روبه رو است. آن این که جواز حمل لفظ بر معنای مجازی منوط به نا امید شدن مفسر از کاربرد لفظ در معنای حقیقی است. بنابراین نخست باید تلاش کرد تا «ظن» را بر معنای حقیقی آن حمل کرد و اگر امکان نداشت، معنای مجازی را پذیرفت. حال آن که چنین قرینه‌ای وجود ندارد.

۵.۱.۲.۴- استناد به روایت

گروهی از طریق استدلال روایی و با استناد به روایتی از امیرمؤمنان (ع)، بیان می‌دارند که مراد از ظن در آیه مذکور «یقین» است:

وَعَنْ أَبِي مَعْمَرٍ عَنْ عَلِيٍّ فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» يَقُولُ: يُوقِنُونَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ وَالظَّنُّ مِنْهُمْ يَقِينٌ؛ از ابومعمر از امام علی (علیه السلام) درباره سخن خداوند: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» روایت شده که فرمود: یعنی آنان یقین دارند که برانگیخته خواهند شد، و در اینجا «ظن» به معنای یقین است (عیاشی، 1380ه.ق: ج 1، ص 44).

همچنین در کتاب «التوحید» شیخ صدوق (ره) در روایاتی نسبتاً طولانی به نقل از امیرمؤمنان (ع) آمده است: «...الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ يَعْنِي يُوقِنُونَ أَنَّهُمْ يُبْعَثُونَ وَيُحْشَرُونَ وَيَحْسَبُونَ وَيُجْزَوْنَ بِالْثَوَابِ وَالْعِقَابِ فَالظَّنُّ هَاهُنَا الْيَقِينُ...» «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» یعنی آنان یقین دارند که برانگیخته می‌شوند و گردآوری می‌شوند و مورد محاسبه قرار می‌گیرند و پاداش و کیفر داده می‌شوند. پس در اینجا «ظن» به معنای یقین است» (ابن بابویه، 1398 ه.ق: ص 267) به عقیده این دست از مفسران در این دو روایت به صراحت «ظن» به معنای «یقین» دانسته شده است. لکن این ادعا مخدوش است که به نقد آن خواهیم پرداخت.

نقد و بررسی

در نقد روایات فوق می‌توان گفت که برخلاف ادعای مذکور روایت اول صراحتی بر معنای یقین بودن واژه «ظن» ندارد. زیرا ممکن است مقصود از عبارت «وَالظَّنُّ مِنْهُمْ يَقِينُ» این باشد که «ظن» آنان از لحاظ ارزش و اهمیت به منزله یقین است. زیرا اگر مقصود این بود که ظن در اینجا به معنای یقین است بهتر بود مانند روایت دوم گفته می‌شد: (وَالظَّنُّ هَاهُنَا الْيَقِينُ).

همچنین در بحث از حجیت روایات در تفسیر که جملگی خبر آحاد هستند و حد و مرز آن مباحث درازدامنی وجود دارد که از طرح آن می‌گذریم. لکن اجمالاً می‌توان گفت که خبر واحد، هرگاه اخبار از تحقق پدیده‌ای یا نقل سخن از کسی باشد، حجت بودن آن بدین معنا است که بایستی بنا را بر تحقق آن گذاشت و به لوازم آن همچون انجام یا ترک عمل در صورتی که خبر واحد متضمن امر و نهی‌ای باشد، تن داد. سیره عقلا در معتبر دانستن خبرهای مورد اطمینان نیز چیزی جز این نیست و التزام به حجیت خبر واحد از سوی شارع به معنی تأیید سیره عقلا در اینباره است. ولی هر گاه محتوای خبر واحد، ایجاد عقیده و باور قلبی در کسی باشد، طبعاً حجیت تعبّدی آن نمی‌تواند چنین باور و عقیده‌ای را باور کند؛ زیرا رسیدن به علم و عقیده، نیازمند دلیل قطعی و اطمینان بخش است و در صورت وجود کمترین شکی علم و باور شکل نمی‌گیرد؛ و از آنجا که خبر واحد ظنی همیشه با درستی از شک و احتمال خلاف واقع همراه است، نمی‌تواند چنین اثری در فرد ایجاد کند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۳: ۱۳۴-۱۳۳؛ نک. معرفت، ۱۳۹۰: ج ۱، صص ۱۷۳-۱۸۳)

همچنین به اقتضاء اخبار عرضه باید هر خبری را که مخالف با ظاهر قرآن است، طرد نمود بر مگر آن که قرینه‌ای بر پذیرش خلاف ظاهر یا محذوری بر پذیرش ظاهر آیه وجود داشته باشد. (برای نمونه نک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۰، ص ۶۳؛ ج ۲۷، ص ۱۱۰)

۲.۲.۴- ارزیابی معنای «گمان متمایل به یقین» از واژه «ظنّ»

این قول از سوی علی بن ابراهیم قمی مطرح شده است. ایشان ظن در قرآن را دو نوع دانسته است و به دو تعبیر «ظن یقین» و «ظن شک» در این خصوص اشاره کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۶). از آن جا که این دو تعبیر چندان آشنا و رایج نیست، می‌توان گفت ایشان ظن در قرآن را به دو نوع تقسیم کرده است: ۱- ظن به معنای شک یا متمایل به شک ۲- ظن به معنای یقین یا متمایل به یقین. ایشان در ادامه بیان خود، ظن در آیه مورد بحث را ظن یقین یا به عبارتی ظن متمایل به یقین دانستند. (نک. همان)

۱.۲.۲.۴- نقد و بررسی

در نقد این دیدگاه باید گفت که این مطلب ادعای بدون دلیل است، چنان‌که خود علی بن ابراهیم نیز دلیلی بر مدّعی خود ارائه نداده است.

همچنین نسخه‌های موجود از «تفسیر قمی» در بردارنده عبارت‌هایی است که انتساب حداقل بخشی از کتاب حاضر را به علی بن ابراهیم تضعیف می‌کند. برای نمونه، کتاب حاضر، به «تفسیر القمّی» ارجاع می‌دهد؛ گویا این کتاب غیر از تفسیر قمّی است و از آن بهره برده است. علاوه بر این، احادیثی از محدّثان بعد از علی بن ابراهیم مانند ابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ ق)، محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری و ابن همّام اسکافی (م ۳۳۶ ق) در نسخه حاضر نقل شده، که در هیچ‌سندی یافت نشده است که علی بن ابراهیم از آنان نقل حدیث کند. در موارد بسیاری نیز احادیث کتاب به جای این‌که به گونه مستقیم از استادان و مشایخ وی نقل شوند، واسطه دارند و از طریق اشخاص معاصر با علی بن ابراهیم نقل شده‌اند. گرچه این قرینه‌ها به تنهایی قابل پاسخ هستند، اما مجموع آن‌ها، بیانگر این مطلب است که مؤلف کتاب موجود، علی بن ابراهیم نیست و به احتمال فراوان، مؤلف کتاب، علی بن ابی سهل مشهور به علی بن حاتم قزوینی (زنده در ۳۵۰ ق) است. (مسعودی، ۱۳۹۵: ص ۳۳-۳۵)

۳.۲.۴- ارزیابی معنای «گمان» از واژه «ظن» و دلایل آن

گروه دیگری از مفسران، «ظن» در آیه مورد بحث را به معنای «گمان» گرفته‌اند و از طرق متعددی مدعای خود را ثابت می‌کنند که در ذیل به بیان آن خواهیم پرداخت.

۱.۳.۲.۴- کفایت «ظن» در اعتقاد به آخرت

بعضی از مفسران معنای راجح در «مُلاقُوا رَبَّهُمْ» را اعتقاد به آخرت می‌دانند و معتقدند هر کسی باید بدان یقین حاصل کند؛ اما وجه ذکر «ظن» در آیه را، کفایت آن در اعتقاد به آخرت می‌دانند. این دسته از مفسران در توضیح وجه مذکور بیان می‌دارند: به نظر می‌رسد وجهش این باشد که برای حصول خشوع در دل انسان، ظن به قیامت و لقاء پروردگار کفایت می‌کند. زیرا علومی که به وسیله اسباب تدریجی، به تدریج در نفس پدیدار می‌گردد، نخست از توجه و بعد شک و سپس به ترجیح یکی از دو طرف شک، که همان ظن است پدیدار شده است و در آخر، احتمالات مخالف به تدریج از بین می‌رود تا علم یا همان ادراک جزمی حاصل گردد. این نوع از علم وقتی به خطر هولناکی تعلق بگیرد سبب اضطراب و خشوع نفس می‌گردد. این اضطراب و خشوع از وقتی شروع می‌شود که یک طرف شک، رجحان پیدا کند و چون امر مذکور، هولناک است، قبل از علم به آن و تمامیت آن رجحان نیز دلهره و ترس در نفس پدید می‌آورد. پس به کار بردن ظن در جای علم، برای اشاره به این است که اگر انسان متوجه شود پروردگاری دارد که ممکن است روزی با او دیدار کند و به سویش باز گردد، در ترک مخالفت و رعایت احتیاط، منتظر حصول علم نمی‌شود، بلکه همان ظن او را وادار به احتیاط می‌کند (طباطبایی، 1390 ه.ق: ج 1، ص 153-152).

نقد و بررسی

همان طور که پیش‌تر بیان شد، رسیدن به لقاء پروردگار، به معنای علم به وجود پروردگار و عدم وجود حجاب میان بنده و خداوند است که این امر بی شک برای اولیاء خداوند در دنیا محقق شده است؛ هر چند اکثر مردم در آخرت به این علم خواهند رسید. پس لقاء رب متفاوت از لقاء آخرت است و ممکن است در این دنیا نیز برای خواص بندگان خدا از جمله نمازگزاران خاشع محقق شود. در نتیجه ظن به لقاء رب، به معنای ظن به معاد نیست، بلکه به معنای ظن به رسیدن به مقام علم به وجود الهی است که ممکن است در دنیا یا آخرت رخ دهد. شایان

توجه است که توصیف مذکور در خصوص نمازگزاران خاشع است؛ پس به نظر می‌رسد آیه ناظر به کیفیت نماز ایشان باشد. در توضیح بیشتر باید گفت: نماز گزاران خاشع، به گونه ای به نماز می‌ایستند که گویی در پیشگاه حق تعالی بدون هیچ حجابی حاضرند. در صورت اخذ چنین تعبیری، ظن ایشان به لقاء رب، به عنوان یکی از اتفاقات قیامت نخواهد بود و ایشان در دنیا دارای چنین ظنی هستند. البته ظن ایشان به لقاء رب در غیر نماز نیز مفید همان بیانی است که گذشت.

نکته دیگر آن است که هر چند «ظن» انسان را وادار به احتیاط می‌کند و از این جهت، در اعتقاد به آخرت کفایت می‌کند؛ اما باید توجه داشت که آیه در خصوص مقام رفیع نمازگزاران خاشعان است و ما نمی‌توانیم به توصیفی حداقلی از ایشان بسنده کنیم زیرا بر خلاف سیاق آیه است که به مدح و ستایش نمازگزاران خاشع پرداخته است و اقتضاء می‌کند که توصیف از ایشان یک توصیف حداقلی نباشد زیرا ظن به آخرت حالتی است که برای بسیاری از مردمان رخ می‌دهد و در این صورت اتصاف نمازگزاران خاشع به این حالت فاقد مدح و ستایش ویژه است.

۲.۳.۲.۴ - تصرف در متعلق «ظن»

گروهی با تصرف در متعلق «ظن»، نیازی به تغییر معنای «ظن» از معنای اصلی خود ندیده‌اند و آن را به معنای «گمان» گرفته‌اند. اینان نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شوند و در اینکه چه چیز متعلق «ظن» است اختلاف دارند.

الف) فرجام نیک یا بد

این دسته در متعلق «ظن» در آیه محل بحث تصرف کرده و قائلند که متعلق «یظنون» خود رستخیز و ملاقات پروردگار نیست تا ناچار شویم «ظن» را به معنای «یقین» بدانیم. بلکه فرجام نیک یا بدی است که انسان بدان آگاه نیست و همواره احتمال می‌دهد در آزمون‌های بعد، ایمان و اعمال نیکش را از دست بدهد. (ماوردی، بی تا: ج 1، ص 116). این برداشت در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) نیز ذکر شده است: «الذین یظنون أنهم ملاقوا ربهم و أنهم إليه راجعون» ... و إنما قال: یظنون لأنهم لا یدرون بما ذا یختم لهم و العاقبة مستورة عنهم؛ «الذین یظنون أنهم ملاقوا ربهم و أنهم إليه راجعون» ... و علت اینکه گفته شده «یظنون» این است که آنها نمی‌دانند سرانجام، به چه نتیجه‌ای می‌رسند و اوضاع پایانی بر آنها پوشیده است (حسن بن علی (ع)، ۱۴۰۹ق: ص ۲۳۸)

ب) ثواب و نعمت‌های الهی

گروهی دیگر نیز همانند دسته قبلی در متعلق «ظن» در آیه مورد بحث تصرّف کرده‌اند لکن بیان می‌دارند که گمان به لقاء پروردگار، معنایش توقع داشتن مواجهه با ثواب پروردگار و نایل شدن به نعمت‌های الهی و طمع داشتن به آن نعمت هاست. به عبارت دیگر ایشان ثواب و نعمت‌های الهی متعلق «ظن» پنداشته‌اند. (نک. زمخشری، 1407 ه. ق. ج 1، ص 134).

نقد و بررسی

این گروه از مفسران برای رهانیدن خود از اشکال مورد بحث بعضی مفسران در خصوص ظن به لقاء رب، در متعلق ظن تصرف کرده و حذف و تقدیر فراوانی را اعمال کرده‌اند. به نظر می‌رسد تا زمانی که بتوان بر اساس ظاهر، به اشکالات مذکور پاسخ داد، روی آوردن به مقدرات فرضی، کاری اشتباه است.

۳.۳.۲.۴- توجه به بلاغت قرآن از طریق تشبیه یا مجاز

گروهی دیگر نیز با توجه به شاهکار ادبی بودن و در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشتن قرآن به دلیل بهره‌گیری آن از صناعات و آرایه‌های متعدّد ادبی این آیه را متضمّن «تشبیه» یا «مجاز» پنداشته‌اند که در ذیل بیان می‌کنیم.

الف) تشبیه ضمنی بودن «ظن» به لقاء الله

برخی از مفسران معاصر «ظن» به لقاء الله در آیه مورد بحث را متضمّن نوعی تشبیه دانسته‌اند. (طالقانی، 1362: ج 1، ص 147). مانند خشوع کسی که پیوسته آماده ملاقات است و خود را جمع و جور می‌نماید. آن گاه که در هنگام نماز، پرده‌های غرور و کوتّه بینی کنار می‌رود و عظمت و قدرت الهی بر انسان نمایان می‌گردد، خود را در محضر الهی حاضر و در برابر عظمت و جلالت او، کوچک و ناچیز می‌شمارد و رسیدن به این سطح از ادراک و شعور در صورت نماز که خشوع باطن و خضوع جوارح است نمایان می‌شود. (نک. همان) ضمنی دانستن این تشبیه از این جهت است که مفسر بزرگوار ادات تشبیه را به درستی تبیین ننموده‌است.

ب) مجاز از مرگ بودن «ملاقات رب»

برخی دیگر نیز بیان داشته‌اند که «ملاقات رب» مجاز از مرگ است. ایشان در توضیح سخن خود بیان کرده‌اند که «ملاقات رب» مسبّب و «مرگ» سبب است و مجاز مذکور در آیه با علاقه مسبّبه است که مجازی مشهور است.

ایشان آیه را در مقام بیان این مطلب پنداشته است که خاشعان کسانی‌اند که در هر لحظه گمان به مرگ دارند و همین سبب خشوع قلبشان گشته است (رازی، 1420 ه.ق: ج 3، ص 491).

نقد و بررسی

می‌توان پذیرفت که آیه به طور ضمنی دارای تشبیهی باشد. در توضیح باید گفت: از آن جا که خداوند در مقام توصیف نمازگزاران خاشع است، توصیف خداوند ناظر به کیفیت نماز خاشعان است و این با سیاق سازگار تر است. به این صورت که نمازگزاران خاشع، به گونه‌ای به نماز می‌ایستند و آن را به جا می‌آورند که گویا در ملاقات با خداوند متعال هستند. به نظر می‌رسد نه تنها هیچ محذوری در به کار بردن این استدلال نیست بلکه با سیاق نیز هماهنگی بیشتری دارد.

در خصوص گروهی که ملاقات رب را مجاز از مرگ می‌دانند، باید گفت: به نظر می‌رسد این گروه وقوع لقاء رب را لزوماً در آخرت می‌پندارند در حالی که این دیدگاه بر خلاف سخن ما در خصوص لقاء رب و امکان وقوع آن در دنیا و بر خلاف ظاهر آیه است.

۴.۳.۲.۴- حقیقت لقای ربّ فراتر از ظرفیت دانش انسان

گروهی از طریق استدلال کلامی، بیان می‌دارند که در این مورد ظنّ بلوغ‌تر از یقین است زیرا نه تنها یقین، بلکه ظنّ به ملاقات رب نیز موجب خشوع و نگرانی می‌گردد، چنان که همه نگرانی‌ها، امیدها و جنب و جوش‌ها از «ظنّ» برمی‌خیزد. می‌توان گفت به عبارتی آیه در مقام تقریر و توییح مخاطبان است. زیرا آنان اگر ظنّ به ملاقات رب داشته باشند نباید چنین سرکش باشند، حال آن که آنان خود را اهل یقین می‌دانند (مراغی، بی تا: ج 1، ص 107؛ طالقانی، 1362: ج 1، ص 147) همچنین علت استعمال ظنّ به جای یقین در این نکته است که درک حقیقت لقای ربّ فراتر از ظرفیت دانش انسان است و انسان، ناگزیر در تصوّر این حقیقت، به چیزی بیش از گمان ره نخواهد برد. (طالقانی، 1362: ج 1، ص 146).

نقد و بررسی

طبق این دیدگاه واژه ظن در این آیه و نظائر آن موضوعیت دارد و تغییر معنای آن از گمان به علم و یقین، مستلزم فاصله گرفتن از مقاصد وحی است. به نظر می‌رسد دو نکته قابل نقد در سخنشان وجود دارد: اولاً، هر چند استدلال ایشان در خصوص معنای ظنّ، مطابق با ظاهر است؛ اما این گروه نیز توصیف مذکور از خاشعان را در

مقام سبب خشوع ایشان می پندارند زیرا بیان می دارند: ظن به ملاقات رب نیز موجب خشوع و نگرانی می گردد؛ اما همان طور که پیش تر گفته شد، آیه در مقام بیان سبب خشوع نیست. ثانیاً، در پاسخ به این گفتارشان که می گویند: درک حقیقت لقای ربّ فراتر از ظرفیت دانش انسان است و انسان، ناگزیر در تصور این حقیقت به چیزی بیش از گمان ره نخواهد برد، باید گفت که این سخن بر خلاف آیه دوم سوره رعد است که خداوند می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد/۲) زیرا اگر امکان یقین به لقاء پروردگار وجود نداشت، خداوند نسبت به بندگانش امید به «یقین به لقاء رب» نمی داشت.

۵.۳.۲.۴- ظنّ قلبی بالاتر از یقین عقلی

برخی دیگر از مفسران با توجه به ظاهر آیه مورد بحث «ظن» را به معنای گمان گرفته‌اند. لکن برای پاسخ به این اشکال مقدرّ که چگونه ظنّ به لقاء الله با خشوع سازگار است، وارد مراتب «ظن» شده‌اند و «ظن» در این آیه را «ظنّ» قلبی دانسته‌اند که از نظر ایشان از یقین عقلی نیز بالاتر است. (نک. صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ه.ق: ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹). ایشان برای اثبات ادعای خود به آیه «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (الحديد: ۱۶) استناد و بیان کرده‌اند: خداوند در این آیه که خطاب به مومنان است توصیه به خشوع می‌کند و آن را از حالات قلب بیان می‌دارد. ایشان از کلام اخیر نتیجه گرفته‌اند که ظن خاشعان در «يُظَنُّونَ» نیز ظن قلبی است که در مقابل یقین است و چه بسا از یقین عقلی که در برابر علم است، بالاتر باشد: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ». (نمل / ۱۴) و از این آیه به خوبی مستفاد می‌گردد که ایمان واقعی غیر از علم و یقین دارد، و ممکن است کفر از روی جحود و انکار در عین علم و یقین سرزند البته از ظاهر واژگانی همچون «ظُلْمًا وَعُلُوًّا» و «مُفْسِدِينَ» استفاده می‌شود که مقصود از یقین، یقین عقلی است نه قلبی زیرا یقین قلبی بالاترین مرتبه ایمان است که تسلیم و اطاعت را به همراه دارد نه ظلم، برتری جویی و فساد. در توضیح بیشتر باید گفت: ظن دارای مراحل است. ظن عقلی پس از تحقیق، تبدیل به یقین عقلی می‌گردد. در مرحله بعد، یقین عقلی در اثر مراتب خشوع و ایمان تبدیل به ظن قلبی می‌گردد و در مراحل بعدی، تبدیل به یقین قلبی می‌شود که بالاترین مرحله ایمان است. از این رو در آیات متعددی واژه «ظن» در سیاق مدح استعمال شده که بیانگر ظنّ قلبی است که از یقین عقلی نیز بالاتر است زیرا ظنّ قلبی در جایگاه یقین است اما یقین عقلی

در جایگاه علم است: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ» (البقره / ۲۴۶)؛ «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّ. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» (الحاقه / ۲۰)؛ «وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا» (الجن / ۱۲) هم چنین باید گفت: همان طور که رسیدن به ظن قلبی دفعته حاصل نمی گردد و با طی مراحل به دست می آید، خشوع نیز چنین است و آیه لزوماً در مقام معرفی خشوع اهل یقین نیست (نک. همان). این گروه از مفسران در جهت تایید سخن اخیر، بیان می دارند که آیه مذکور با آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (الکهف/ ۱۱۰) هم مضمون است. زیرا در آیه مذکور، رجاء به لقاء پروردگار، در واداشتن انسان به عمل صالح کافی دانسته شده است. (نک. همان: ص ۳۹۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ص ۱۵۳)

نقد و بررسی

در این دیدگاه مفسر بزرگوار با استناد به آیه ۱۶ سوره حدید که در آن خشوع از حالات قلب دانسته شده، «ظن» در آیه محل بحث را نیز ظن قلبی دانسته است. لکن ملازمه‌ای بین این دو وجود ندارد، زیرا خاشع می تواند ظن عقلی به امری داشته باشد.

۴.۲.۴- دیدگاه برگزیده و دلایل آن

به نظر می رسد تا زمانی که حمل آیه بر ظاهرش امکان پذیر است، اخذ معنایی بر خلاف ظاهر آیه اشتباه باشد. برای اثبات امکان حمل ظن بر معنای ظاهری آن، باید به متعلق آن که «لقاء رب» است، استدلال کرد. همان طور که گفته شد لقاء هر چیز، علم یافتن به وجود اوست؛ به طوری که دیگر میان آن دو حجابی نباشد. پس وقوع چنین لقائی هم در دنیا، برای اولیاء خداوند، هم در آخرت، برای همگان امکان پذیر است. در آیه محل بحث، «لقاء رب» در بستر دنیا محقق شده است که در ادامه به بیان ادله آن می پردازیم.

۴.۲.۴-۱ توصیف حداقلی خداوند در صورت اخذ معنای لقاء رب در آخرت

اگر مراد از لقاء رب در آیه را در بستر آخرت بدانیم، شاهد توصیفی حداقلی از نمازگزاران خاشعی هستیم که به استناد آیه ۱۶ سوره حدید که پیش تر بیان شد، دارای مرتبه ای بالاتر از ایمانند. در توضیح باید گفت: لقاء الله در بستر آخرت، برای همگان اتفاق می افتد و امری بسیار محوری در اعتقاد ما به معاد است. به طوری که خداوند

کفر به «لقاء رب» را علت انکار معاد می‌داند: وَ قَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (السجده/۱۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۶، ص ۲۵۱). پس می‌توان گفت: وقتی نماز گزاران خاشع ظن به علت دارند، طبعاً نمی‌توانند یقین به معلول داشته باشند. در نتیجه بعید نیست که ایشان ظن به معاد داشته باشند. حال آن که هر چند ظن به لقاء الله کفر نیست؛ هم چنان که خداوند در آیه «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (العنکبوت/۵)، رجاء به لقاء رب را نیز مورد مدح قرار داده است. لکن این با مقام نماز گزاران خاشع، ناسازگار است و به نظر می‌رسد این امر بر خلاف اسلوب قرآن باشد. زیرا خداوند وقتی در مقام توصیف گروهی، آن هم خاشعان بر می‌آید، حد اعلی آن توصیف را بیان می‌کند.

شایان ذکر است اشکال ناسازگاری ظن خاشعان به لقاء رب در بستر آخرت، جز سخن مفسرانی است که اشکال بحث را در آن می‌یافتند که ظن، موجب خشوع نمی‌گردد زیرا آن بیان ناظر به رابطه سببیت میان ظن و خشوع است. حال آن که آیه، در مقام سببیت ظن برای خشوع نیست.

۲.۴.۲.۴- مطابقت ظن خاشعان به لقاء رب در بستر دنیا با ویژگی خشوع ایشان

اگر مراد از لقاء رب در آیه را در بستر دنیا بدانیم، ظن به آن، با جایگاه نماز گزاران خاشع سازگار است. زیرا از آن جا که مقام لقاء الله در دنیا، خاص اولیاء الهی است، نماز گزاران خاشع ظن به رسیدن به چنین مقامی دارند و این با صفت خشوع ایشان سازگار تر است. زیرا یقین به رسیدن چنین مقام عظیمی در دنیا، نشان از تکبر است نه خشوع؛ اما اگر مراد، لقاء رب در بستر آخرت باشد، از آن جا که برای همگان اتفاق می‌افتد، یقین به آن، نشان از تکبر نیست.

۳.۴.۲.۴- وقوع لقاء رب در نماز خاشعان

با توجه به سیاق آیات، به نظر می‌رسد که ظن خاشعان به لقاء رب در بستر نماز محقق گردیده است. در توضیح باید گفت: «الَّذِينَ» در ابتدای آیه ۴۶، ناظر به نماز گزاران خاشع است، نه صرف خاشعان و این به روشنی از آیه گذشته به دست می‌آید و اگر کسی این سخن را رد کند، در حقیقت ارتباط این آیه، با آیه ماقبل را رد کرده است. در نتیجه توصیف نماز گزاران خاشع در آیه ۴۶ سوره بقره، طبعاً ناظر به امری است که در آیه قبل آمده است «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» (البقره/۴۵). زیرا خداوند بیان می‌دارد که خاشعان، به خوبی از نماز استعانت می‌جویند

«...وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقره/۴۵) و آیه بعدی، در مقام توصیف کیفیت استعانت خاشعان از نماز است. خداوند در این توصیف می‌فرماید: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره/۴۶). به نظر می‌رسد روشن‌ترین راه برای فهم کیفیت استعانت خاشعان از نماز، خود نماز ایشان باشد نه اعتقادی دیگر همچون معاد که به نحوی مرتبط با آن باشد. در نتیجه به نظر می‌رسد ظن ایشان به لقاء رب در بستر نماز محقق شده است. یعنی کیفیت نماز خاشعان به قدری است که ایشان در نمازشان، حائل و حجابی میان خود و خدا نمی‌بینند و در حقیقت به لقاء رب رسیدند. وجه ذکر ظن به چنین لقائی، همان‌طور که بیان شد به سبب خشوع ایشان است. این استدلال نیز، موافق با ظن خاشعان به وقوع لقاء رب در بستر دنیا است زیرا نماز ایشان در بستر دنیا است.

نتیجه‌گیری

دیدگاه مفسران در خصوص معنای واژه «ظن» در آیه ۴۶ سوره بقره به سه دسته قابل تقسیم است. اکثر مفسران ظن را به معنای یقین و برخی دیگر آن را گمان متمایل به یقین می‌دانند و گروه سوم، ظن در آیه مورد بحث را حمل بر ظاهر می‌کنند. همچنین آنان مقصود از «لقاء رب» را مساوی با معاد یا یکی از اتفاقات آن پنداشته‌اند و برای اثبات مدعای خود استدلال‌هایی را مطرح کرده‌اند که جملگی قابل نقد است.

آن‌چه از ظاهر این آیه بدست می‌آید، این است که «لقاء رب» در بستر دنیا برای خاشعان محقق شده است و از این رو هیچ محذوری برای حمل واژه «ظن» بر معنای ظاهری اش یعنی «گمان» وجود ندارد. دلایل این برداشت از آیه علاوه بر ناتمامی و نقد پذیر بودن دیدگاه‌های گذشته، عبارت است از:

۱- حداقلی بودن توصیف خداوند از نمازگزاران خاشع در صورت تحقق «لقاء رب» در آخرت؛ زیرا در این صورت به نظر می‌رسد این امر بر خلاف اسلوب قرآن باشد. زیرا خداوند وقتی در مقام توصیف گروهی، آن هم خاشعان بر می‌آید، حد اعلی آن توصیف را بیان می‌کند.

۲- مطابقت ظن خاشعان به لقاء رب در بستر دنیا با ویژگی خشوع ایشان؛ زیرا یقین به رسیدن چنین مقام عظیمی در دنیا، نشان از تکبر است نه خشوع؛ اما اگر مراد، لقاء رب در بستر آخرت باشد، از آن‌جا که برای همگان اتفاق می‌افتد، یقین به آن، نشان از تکبر نیست.

۳- وقوع لقاء رب در نماز خاشعان؛ به نظر می‌رسد ظن ایشان به لقاء رب در بستر نماز محقق شده است. یعنی کیفیت نماز خاشعان به قدری است که ایشان در نمازشان، حائل و حجابی میان خود و خدا نمی‌بینند و در حقیقت به لقاء رب رسیدند. وجه ذکر ظن به چنین لقائی نیز به سبب خشوع ایشان است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ه.ق)، التوحید، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ه.ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ه.ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر
۵. تفلیسی، حبیش بن ابراهیم (۱۳۷۱ه.ش)، وجوه قرآن، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ه.ش)، تسنیم، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق عبدالکریم عابدینی، چاپ سوم، قم، اسراء
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ه.ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ: اول.
۹. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ه.ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ اول، تهران، التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه
۱۰. حسن بن علی _علیه السلام_ (۱۴۰۹ه.ق)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیهم السلام، چاپ اول، قم، مدرسه الامام المهدي علیهم السلام
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، (۱۴۰۳)، روش، گرایش و قواعد تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۱۲. دامغانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ه.ق)، الوجوه و النظائر لالفاظ كتاب الله العزيز، چاپ اول، قاهره، احیاء التراث الاسلامی
۱۳. رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸ه.ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ه.ق)، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالقلم
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ه.ش)، منطق تفسیر قرآن (۱)، چاپ اول، قم، جامعه المصطفی العالمیه
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ه.ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی
۱۷. ساجدی، مریم، (۱۳۹۸)، مقاله «کاربرد ظنّ در قرآن کریم: تأملی پیرامون اقوال مفسران در تفسیر «ظنّ» به یقین، نشریه دین و دنیای معاصر، بهار و تابستان، شماره ۱۰، صص ۱۰۱-۱۲۶
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ه.ق)، نهج البلاغه، چاپ اول، قم، هجرت
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ه.ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی
۲۰. صدر، محمد باقر، (۱۴۱۸ق) دروس فی علم الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ: پنجم.
۲۱. طالقانی، محمود (۱۳۶۲ه.ش)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار
۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ه.ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ه.ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه

۲۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ه.ش)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مکتب المرتضویه
۲۶. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ه.ق)، الفروق فی اللغة، چاپ اول، بیروت، دارالآفاق الجدیده
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ه.ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه
۲۸. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ه.ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ه.ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ه.ق)، القاموس المحيط، چاپ اول، بیروت، منشورات محمد علی بیضون
۳۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ه.ق)، المصباح المنیر، چاپ اول، قم، دارالهجره
۳۲. قائمی نیا، علیرضا (۱۴۰۱ه.ق)، معنانشناسی شناختی قرآن، چاپ چهارم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ه.ش)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب
۳۴. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه
۳۵. مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، چاپ اول، بیروت، دارالفکر
۳۶. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۹۵ش)، تفسیر روایی جامع (۲)، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر، قم
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ه.ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه
۳۸. مطرزی، ناصر بن عبدالسید (۱۹۷۹م)، المغرب فی ترتیب المعرب، چاپ اول، حلب، مکتبه اسامه بن زید

نسخه
پیش از انتشار